



اسلام، آغاز زندگی

حسین عابدی

انتشارات سیمرغ خراسان / ۱۳۹۳

سرشناسه: عابدینی، حسین / ۱۳۴۹
 عنوان و نام پدیدآور: اخلاق آغاز بندگی / حسین عابدینی.
 مشخصات نشر: مشهد: سیمرغ خراسان، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری: ۲۳۵ ص.
 شابک: ۲-۵۴-۶۰۲۹-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 موضوع: اخلاق اسلامی
 موضوع: اخلاق اسلامی - احادیث
 موضوع: مفسران - جنبه‌های قرآنی
 ردیابی: شماره ۱۳۹۳ الف ۳/۸/۲۴۷ BP
 ردیابی: ۲۹۷/۶۱
 شماره کتابخانه ملی: ۳۵۵۰۳۵۶

مشاور: مهدی مطهری - مطهری ۶۴ - پلاک ۳۷ - تلفن ۰۹۱۵۷۰۰۱۰۳۰
 سایت فروش اینترنتی - www.simorghekhhorasan.ir



نام کتاب: اخلاق آغاز بندگی
 مؤلف: حسین عابدینی
 ویراستار: میتو سادات محروقی
 صفحه آرا: خاطره آرمین
 طرح جلد: روح الله برزنونی
 چاپ: دقت
 تاریخ انتشار: ۱۳۹۳
 تیراژ: ۱۰۰۰
 ناشر: سیمرغ خراسان
 شابک: ۲-۵۴-۶۰۲۹-۶۰۰-۹۷۸
 قیمت: ۹۰۰۰ تومان

کلیه حقوق متعلق به مؤلف می‌باشد

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
--------	-------

فصل اول : مفهوم اخلاق

۱۷.....	تعریف اخلاق
۱۹.....	معنای لغوی اخلاق
۲۴.....	رابطه میزان باور به خدا با ایمان ایشان
۲۶.....	عقل انسان و آینده نگرانی
۲۸.....	حسد و آثار فردی و اجتماعی آن
۳۱.....	فلسفه اخلاق

فصل دوم : تاریخچه پیدایش اخلاق

۳۵.....	تاریخچه پیدایش اخلاق
۴۰.....	خیر و شر
۴۱.....	عدالت
۴۹.....	طبیعت گرایی
۵۰.....	مفهوم اخلاق از دیدگاه علمای قدیم و جدید

فصل سوم: اخلاق مدیریت اسلام

۵۹..... اخلاق مدیریت در اسلام

۶۲..... تعریف مدیریت

۶۳..... برورت و اهمیت اخلاق در مدیریت

۶۴..... بررسی رصیه ای اخلاقی برای کارای بیشتر در خانواده

ص ۴ چهارم: ویژگی های انسان مؤمن چیست؟

۸۱..... ویژگی های انسان مؤمن چیست؟

۸۳..... برخی از ویژگی های مؤمن

۸۷..... راهبرد زندگی انسان مؤمن

۸۹..... تحوّل و شدن

۹۰..... مفهوم خدایی شدن و زندگی توحیدی

۹۲..... ضرورت خودشناسی توحیدی

۹۴..... نتیجه عشق و پرستش توحیدی

۱۰۸..... صفات مؤمنین در قرآن

۱۱۳..... نشانه های پرهیزکاران

فصل پنجم: صفات حمیده در قرآن

۱۲۱ صفات حمیده در قرآن

۱۲۶ رزق و روزی حلال و تفسیر آن

۱۲۹ ملائکه و انسان

۱۳۱ رزق الهی و آیات و روایات

۱۳۵ رزق الهی و اسلام به طباطبائی

۱۳۵ رزق مقدر

۱۴۱ عطا و منع الهی

۱۴۵ گنجایش توانگری خداوند

۱۴۸ انتظار مزد نداشتن در برابر بخشش های خداوند

فصل ششم: صفات رذیله

۱۵۵ صفات رذیله

۱۵۶ چه چیزهایی انسان را به سقوط می کشاند؟

۱۶۳ برخی عبادات قلبیه و صفات حمیده امام حسین (ع)

۱۷۰ پنجاه صفت مؤمن در قرآن

۱۷۵ آفات زبان

اهمیت سکوت در روایات..... ۱۷۸

خلق العظیم..... ۱۸۶

ارتباط سازنده با دیگران..... ۱۹۴

سالم غیظ..... ۲۰۰

مضرات نفس..... ۲۰۶

تواضع مشیت و منفس..... ۲۰۸

حلم و خویشتن داری..... ۲۱۰

حلم و کظم غیظ و آبرو..... ۲۱۲

ارزش حلم در روایات اسلامی..... ۲۱۶

منابع..... ۲۲۲

آدمیان در مرحله‌ای از تاریخ پدیداری خود رفته رفته برخی چیزها را ارزشمند تصور کردند. تفکر ابتدایی انسان به این صورت وارد مرحله مفهوم سازی شد. مفهوم سازی موجب پدیدار شدن مفهوم خوبی یا خیر در ذهن انسان گشت. این سرآغاز تفکر اخلاقی انسان بود.^۱ وقتی کومون‌های اولیه شکل گرفتند دو مفهوم عمده در ساختار اجتماعی شان مشهود بود، یکی از این مفاهیم، مفهوم عربد بود و دیگری مفهوم تابو. عرف مجموعه قواعدی بود که جامعه به صورت سنتی از آن بهره‌برفته بود و موجبات انتظام اجتماعی را فراهم می‌آورد، زمانی که جوانی به سری نامند شدن گام برداشتند و از حالت کومون درآمدند، به مرور مفهوم عربد تبدیل به مفهوم قانون شد. تابو مجموعه‌ای از رفتارها و گفتارهای ناهنجار اجتماعی بود که از سوی آیین و مذهب قوم ممنوع و نکوهیده بودند؛ مفهوم تابو نیز در مسیر تطور جوامع مدنی، به مرور زمان به مفهوم اخلاقیات بدل گشت. پس از گذار از دوران کومون‌های اولیه و شکل‌گیری نخستین جوامع مدنی تشریک‌مدنی و مدنی‌مدنی به افزایش نهاد و تقسیم کار برآوردن نیازها را آسان کرد. این جریان موجب شد که خواسته‌ها از نیازها پیشی بگیرند. بالیدن آرمان‌ها، تکامل هوش بشری نیز قابلیت تأمل درباره حیات و عالم موجب شد تا انسان ارزش گذاری نیازها و

۱. مبانی فلسفه اخلاق، رابرت ال. هولمز، صفحه ۲۶

۲. درس گفتارهای دکتر مرتضی مردی‌ها، دانشگاه علامه طباطبائی (پاییز ۱۳۸۷)، جلسه دوم

خواسته‌های خود را امری جدی و تا حدی حیاتی قلمداد کند. سرانجام آدمیان برای هر چیزی که در آن منفعتی احساس می‌کردند ارزش قائل می‌شدند و بدین طریق مفهوم خیر گسترش یافت.^۱

مهمان با پیدایش و گسترش مفهوم خیر در جوامع انسانی مفهوم شر نیز به وجود آمد و گسترش یافت. انسان‌ها بسته به نوع عملکردشان در چشم یکدیگر به شر یا بد تقسیم شدند. این جریان موجب آن شد که افراد بشر گرایش به شر یا بد تقسیم کنند چرا که با وجود منفعت عمل شر برای فرد ضرور، کلیت این عمل با ضرر تمام افراد جامعه تمام می‌شد و می‌توانست بنیاد شهروندی را ریشه کن کند. این است که معلمین اخلاق ظهور یافتند. آنچه تا کنون گفته شد بنا بر دیدگاه تکاملی در جامعه‌شناسی غربی است ولی برخلاف این سیر تکاملی برای پیدایش مفهوم خیر و شر باید چنین گفت این مفهوم خیر و شر تنها در باب خیر و شر نوعی جریان دارد یعنی خیر و شری که به واسطه آن منافع اجتماعی حفظ یا منهدم می‌گردد. در این باب به هدایت عقلی مشخص است که برخی از اعمال و رفتار درای منافع و مضرات اجتماعی نیست ولی با این وجود عقل به شر بودن آن حکم می‌کند به عنوان نمونه فخر فروشی مضرت اجتماعی مستقیمی ندارد ولیکن عقل به قبح آن حکم می‌کند. همچنین ضرور و موارد اخلاقی وجود دارند که عقل به آنها دسترسی ندارد چرا که عقل نظری مدرک کلیات است و عقل عملی نیز در قالب همان کلیات به مصداق یابی

اخلاق آغاز بندگی / ۹

می پردازد با این تفصیل نیاز به پیامبران از زمان کشف خیر و شر نوعی اجتماعی نمی باشد بلکه از آغاز هستی انسان نیاز به پیامبران برای نشان دادن این ضرورت و خیرها وجود دارد چرا که تنها پیامبران به منبع اصلی دانش یعنی خدا متصل هستند و به تمام جوانب نفس بشری و هستی احاطه دارند و این کلام که اولین و مهم ترین معلمین اخلاق پیامبران بودند.

دین به مثابه برنامه برای روش اخلاقی به واسطه عده ای افراد که خود را مرتبط با خداوند معرفی می کنند به مردمان ارائه شد. آن هم بعد از کشف این خیرها و شرهای اجتماعی است که با توجه به استدلال گذشته باطل است. البته اینکه پیامبران ابراهیمی مهم ترین این افراد بودند، نیز جای بحث دارد چرا که دین در نزد خدا یکی است و در میان آن به تناسب آن زمان فرامینی داده است تا دین خاتم که همان اسلام است همچنین گفته شده اولین فرامین اخلاقی مدون که انسان را مورد خطاب قرار داد، اولین دهگانه خداوند در سفر پیدایش و سفر تثبیه و نیز احکام دینی و اخلاقی یهود در سفر لاویان بود. که این نیز جای تأمل است با توجه به آنچه گفته شد از ضرورت وجود پیامبران از آغاز زمان زندگانی بشر و وجود پیامبران قبل از مانی بدین شک ده فرمان اولین فرمان اخلاقی خداوند نمی باشد چرا که در زمان نوح نیز احاطه موجود بوده است و مطلب دیگری که گفته شده آن است که: پس از نزول شریعت یهود باب نزول ادیان مختلف بر جوامع انسانی گشوده شد. مسیحیت و اسلام دو دین ابراهیمی دیگر بودند که هر یک با تفاوت های کلی و جزئی به

تبیین اصول اخلاقی پرداختند. به واقع در صدد آن است که این دو دین را وام دار یهودیت بداند اما این در جایی باعث اشکال است که ما ماهیت دین ها را متفاوت بدانیم اما در تفکر اسلام دین تنها نزد خدا یکی است و هر دین تکامل بخش دین دیگری است و این ادیان منافاتی با هم ندارند هرچند که در جریان تحریفات یهود و مسیح گذاره های اخلاقی در برخی از این دین ها تحریف شده است. مورد آیین های دینی غیر ابراهیمی نیز همزمان با این جریان شروع به گسترش کردند. از جمله اینان می توان از ادیان زرتشتی و بودایی نام برد. در قرن پنجم پیش از میلاد مسیح و در سرزمین یونان معلم اخلاقی سر بر می آورد که فارغ از موانع دینی به تعلیم اخلاق می پرداخت. سقراط حلقه پیوند معلمین اخلاق با فلسفه اخلاق بود.^۱

افلاطون مکالمات فراوانی درباره فلسفه نوشت و در این آثار اشارات و بررسی های ضمنی بسیاری درباره اخلاقیات کرد، اما فلسفه اخلاق راه خود را رسماً از زمان ارسطو آغاز کرد. نگارش اخلاق نزد ارسطو شروع تاریخ فلسفه اخلاق است. پس از ارسطو اپیکوریان و رواقیون سر برداشت نگرش فلسفی به اخلاق بودند. پس از تحول بزرگ مسیحیت فلسفه اخلاق وارد سیری جدید شد. آگوستین^۲ یکی از تأثیرگذارترین فلاسفه اخلاق بود و با تکیه بر خود به تبیین موضوعات فلسفه اخلاق از منظر مسیحیت کاتولیک پرداخت. در دوران

۱. تاریخ فلسفه، جلد اول، فردریک کاپلستون، صفحات ۱۳۲ و ۱۳۳

۲. مارکوس اورلیوس اوگوستینوس معروف به اوگوستین قدیس (Saint Augustinus) از تأثیرگذارترین فیلسوفان اندیشمندان مسیحیت در دوران باستان و اوایل قرون وسطی محسوب می گردد. او از شکل دهندگان سنت مسیحی غربی (کاتولیک و پروتستان) به حساب می آید.

اخلاق آغاز بندگی / ۱۱

قرون وسطی فلسفه اخلاق رشد روزافزونی داشت اما تنها در مسیر اخلاقیات مسیحی پیش می‌رفت. اوج فلسفه اخلاق در قرون وسطی را می‌توان در آراء توماس آکویناس مشاهده کرد. پس از دوران رنسانس اندک اندک آزادی اندیشه و بیان در جوامع اروپایی نهادینه شد و با وجود مشکلات به جا مانده از دوران تاریکی انقلاب فلسفی آغاز گشت. این انقلاب همان شروع دوران جدید است. دوران نئو کور دوران شکوفایی علم و فلسفه بود.

تمام فلاسفه بزرگ این دوران درباره اخلاق نظریات مهمی را مطرح ساختند اما قابل توجه‌ترین این فلاسفه، روخ اسپینوزا^۱ است. پیش از دوران جدید تمامی فلاسفه به اخلاق محدودیتی بر فضیلت داشتند. انقلاب اسپینوزا در فلسفه اخلاق تغییر این رویکرد به اخلاق مبتنی بر کردار بود.^۲ تأثیر متفکران دوران جدید بر عصر روشنگری غیر قابل انکار است. در پایان دوران روشنگری بارزترین چهره فلسفه اخلاق طول تاریخ یعنی ایمانوئل کانت^۳ رخ می‌نماید. در حقیقت کانت مفهوم امروزی فلسفه اخلاق را بنیان نهاد. پس از کانتجان استوارت میل و آرتور شوپنهاور^۴ علم اخلاق را بیش از پیش متحول ساختند. در قرن بیستم نیز فلاسفه بزرگی در دو شاخه فلسفه تحلیلی و فلسفه فاعلی آثار مهمی از خود بر جای گذاشتند. مبنای اخلاقیات بر این عقیده استوار است.

آن چه برای انسان‌های (و یا حتی حیوانات) به خصوصی خوب یا بد است.
۲. باروخ اسپینوزا و بعدها بندیکت د اسپینوزا (۱۶۳۲ - ۱۶۷۷ میلادی) فیلسوف مشهور هلندی است.

۳. مبنای فلسفه اخلاق، رابرت ال. هولمز، بخش اول فصل دو

۴. ایمانوئل کانت (به آلمانی: Immanuel Kant) (زاده ۲۲ آوریل ۱۷۲۴ - درگذشته ۱۲ فوریه ۱۸۰۴) فیلسوف آلمانی و از مهم‌ترین فیلسوفان سده هیجدهم اروپا بود.

۵. آرتور شوپنهاور (۱۷۸۸ - ۱۸۶۰ میلادی) فیلسوف آلمانی یکی از بزرگترین فلاسفه اروپا و فیلسوف پرنفوذ تاریخ در حوزه اخلاق، هنر، ادبیات معاصر و روانشناسی جدید است.

فقط از دیدگاه آنان، بلکه از دیدگاه فراگیرتری خوب یا بد می باشد.^۱

حکم کردن به این که چه چیزی فی نفسه خوب است به این معناست که آن چیز ارزشمند است. ذهن انسان با عمل ارزش گذاری امور خیر و شر را پدید می آورد و در نتیجه به تقبیح و تحسین این امور می پردازد. نمی توان به طور قطع گفت که ارزش گذاری های این چنینی اصولاً قراردادی هستند و یا به صورت فیزیکی موجودند. با این حال، وجود این دو مفهوم در تاریخ تفکر بشری غیر قابل انکار است. وجود این مفاهیم در ذهن انسان موجب شده است تا نظریات مختلف اخلاقی خیر و شر را به طرق گوناگون تعبیر کند. برخی خیر را خیر فرد می دانند، بعضی ای معتقدند که خیر همان خیر جمعی است و دیگرانی معتقدند که مفهوم خیر نسبت به موقعیت تاریخی و فرهنگی یک جامعه تعریف می شود. با وجود این عدم توافق، یک مفهوم در فلسفه اخلاق از اهمیت کلیدی برخوردار است و آن مفهوم خیر اعلی است. خیر اعلی یعنی بالاترین شکل خیر که انسان می تواند یا حرکت به سوی آن اخلاقی عمل کند.

خیر می تواند به واسطه روابط علّی، هنجاری و هیجانی با درستی در ارتباط باشد. با این حال امکان عدم رابطه میان این دو مفهوم خیر وجود دارد. تبیین روابط خیر و درستی نیز در نظریات مختلف به اشکال مختلف بیان شده است.^۲ هرچند که نمی توان به قطعیت گفت هر آنچه درست است خوب نیز هست

۱. معنای درست نادرست، توماس نیگل، ارغنون (فلسفه اخلاق)، صفحه ۴۰۴

۲. مبانی فلسفه اخلاق، رابرت ال. هولمز، صفحه ۵۵

۳. مبانی فلسفه اخلاق، رابرت ال. هولمز، صفحه ۶۴

۴. مبانی فلسفه اخلاق، رابرت ال. هولمز، صفحات ۵۵ و ۵۶

اخلاق آغاز زندگی / ۱۳

اما به نظر می‌رسد که به لحاظ ارزشی این دو با هم تساوی دارند. یعنی ارزش درستی با ارزش خوبی برابری می‌کند با این تفاوت که خوبی مفهوم بسیار نسبی‌تر و شناورتری از درستی دارد. درستی و نادرستی امور با آثار عمل بر روی فرد انجام دهنده و دیگران در معرض عمل سر و کار دارد. فرد با ارتکاب عمل درست و نادرست در وهله اول خود را در موقعیت اخلاقی قرار داده و با این فضا سرچیده می‌شود.

در مرحله بعدی آثار عمل فرد می‌تواند بر احساسات دیگران تأثیرگذار باشد و همین‌طور می‌تواند بر جریان مادی به دیگران وارد کند. در نتیجه در اطلاق ارزش درست یا نادرست برای یک امر باید به تأثیرات آن امر بر فرد عامل و نیز تأثیرات آن بر دیگران توجه کرد.^۱ برخی اوقات مفهوم «درست و نادرست» با مفهوم «مخالف و موافق قانون» اشتباه گرفته می‌شود. این دو مفهوم کاملاً از هم متفاوتند. ممکن است قوانینی وجود داشته باشد که چیزی که نادرست نیست را ممنوع سازد یا امری نادرست را الزام کند. وقتی ما قادریم ساختارهایی مثل آن چه گفته شد را در ذهن خود بسازیم و بفهمیم معلوم می‌شود که ایده‌های درستی متفاوت از ایده‌های قانون هستند. زیرا ما به واسطه ایده‌های درستی می‌توانیم قوانین را نیز مورد ارزیابی قرار دهیم.^۲

عده‌ای از متفکران فلسفه اخلاق معتقدند که درستی و نادرستی امری نسبی

۱. معنای درست و نادرست، توماس نیگل، ارغنون (فلسفه اخلاق)، صفحه ۴۰۰

۲. معنای درست و نادرست، توماس نیگل، ارغنون (فلسفه اخلاق)، صفحه ۳۹۹

است. اینان استاد می کنند بر تأثیر زمان و مکان بر درستی و نادرستی امور و یا بستگی درستی امور به شرایط. اما این استنتاج غلط است، گزاره های مذکور به معنای نسبی بودن بنیان اخلاقیات نیست بلکه به این معناست که اصول بنیادین اخلاق در شرایط مختلف اعمال متفاوتی را ایجاب می کند. یعنی ما بنیاد محکمی برای اخلاق داریم که بر آن ساختمانی نسبی ساخته شده است.

حسین عابدینی

بجنورد - ۱۳۹۳